



Analysis of Educational Methods for Confronting "Prolonged Hopes" in an Ethics-Oriented Lifestyle Based on Nahj al-Balagha*

Seyyedeh Raziye Akhlaqi¹  Eliyyeh Rezadad² 

1- Graduate of Master's Degree in Quranic Interpretation and Sciences, Al-Mustafa International University, Mashhad, Iran.

razaseman6106@gmail.com

2- Assistant Professor, Department of Islamic Education, Farhangian University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

a.rezadad@cfu.ac.ir



Abstract

This study aims to elucidate the educational methods for addressing "prolonged hopes" (extensive and far-reaching desires) within an ethics-oriented lifestyle, as derived from the perspective of Nahj al-Balagha. The primary issue of the research is how to confront and manage transient materialistic and, at times, unethical desires in the contemporary era. These desires, exacerbated by the expansion of materialistic lifestyles and the influence of Western culture, have become obstacles to the realization of a virtuous life. The research was conducted using a descriptive-analytical method, and by referencing the sermons, letters, and wisdom found in Nahj al-Balagha, six educational methods were extracted: *Tabshir* (instilling hope in divine

*Cite this article: Akhlaqi,R; Rezadad, A. (2025). Analysis of Educational Methods for Confronting "Prolonged Hopes" in an Ethics-Oriented Lifestyle Based on Nahj al-Balagha, Journal in Applied Ethics Studies,4 (78), 125-152.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.70205.1963>

■ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

■ **Received:** 2024/11/01 • **Revised:** 2025/01/25 • **Accepted:** 2025/02/04 • **Published online:** 2025/07/20

grace and redefining desires within the framework of "hoped-for good"), *Usweh-Sazi* (emulating the pious and the family of the Prophet (PBUH) to guide desires toward transcendent values), *Indhar* (warning about the destructive consequences of worldly desires and their deceitfulness), *Ibrat-Amuzi* (learning from the fate of predecessors and the impermanence of the world), *Muwajahah with the Results of Actions* (raising awareness about the ethical and otherworldly consequences of behaviors), and *Tahmil ala al-Nafs* (managing desires through asceticism and self-control). The findings of the study indicate that Imam Ali (AS), by emphasizing a shift in perspective toward life and highlighting the transient nature of the world, seeks to instill profound insight in the audience, enabling them to redefine their desires within the framework of a meaningful and purposeful life.

Keywords

Nahj al-Balagha, Imam Ali (AS), Prolonged Hopes, Desires, Ethical Lifestyle, Moral Education.





تحليل الأساليب التعليمية للتعامل مع «طول الأمل» في نمط حياة قائمة على الأخلاق من منظار نهج البلاغة*

سیده راضیه اخلاقی^۱ علیه رضاداد^۲

۱- ماجستير في فرع التفسير وعلوم القرآن من جامعة المصطفى عليه السلام العالمية، مشهد - إيران.

azaseman6106@gmail.com

۲- أستاذة مساعدة في قسم تعليم المعارف الإسلامية، جامعة فرهنگیان، طهران - إيران (الكاتبة المسؤولة).

a.rezadad@cfu.ac.ir

مستخلص

تم إجراء هذه الدراسة بهدف بيان الأساليب التربوية المعنية بالتعامل مع تعبير «طول الأمل» (الآمال البعيدة) في نمط حياة قائمة على الأخلاق من منظور نهج البلاغة. تتلخص القضية الأساسية للبحث في كيفية مواجهة واحتواء الآمال المادية الزائلة وأحياناً غير الأخلاقية في العصر الحالي. ومع انتشار الحياة المادية وتأثير نمط الحياة الغربية أصبحت هذه الآمال والرغبات عائقاً أمام تحقيق الحياة الطيبة. أجري البحث وفقاً للمنهج الوصفي - التحليلي، فتم استخراج ستة أساليب تربوية بالاعتماد على الخطب والرسائل والحكم في نهج البلاغة، وهي:

* **استندت إلى هذه المقالة:** اخلاقی، سیده راضیه؛ رضاداد، علیه (۲۰۲۴). تحليل الأساليب التعليمية للتعامل مع «طول الأمل» في

نمط حياة قائمة على الأخلاق من منظار نهج البلاغة. دراسات في الأخلاق التطبيقية، ۴ (۷۸)، صص ۱۲۵-۱۵۲.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.70205.1963>

□ نوع المقال: بحثي؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلف

□ تاريخ الاستلام: ۲۰۲۴/۱۱/۰۱ • تاريخ التعديل: ۲۰۲۵/۰۱/۲۵ • تاريخ القبول: ۲۰۲۵/۰۲/۰۴ • تاريخ الإصدار: ۲۰۲۵/۰۷/۲۰





التبشير (رجاء الفضل الإلهي وإعادة تعريف الآمال في قالب "الخير المأمول")، وجعل الأسوة (اتخاذ المتقين وآل النبي - صلى الله عليه وآله - أسوةً وقدوةً لتوجيه الآمال نحو القيم السامية)، والإنذار (التحذير من العواقب المدمرة للآمال الدنيوية وخداعها)، والاتعاظ (تلقي الدروس من مصير السلف وعدم بقاء الدنيا)، ومواجهة عواقب الأفعال (التوعية بشأن التبعات الأخلاقية والآثار السلبية للسلوكيات في الآخرة)، وترويض النفس (إدارة الآمال من خلال ممارسة الزهد وضبط النفس).

وتشير نتائج البحث إلى أن الإمام علي عليه السلام يسعى إلى خلق بصيرة عميقة لدى الجمهور من خلال التركيز على تغيير النظرة إلى الحياة والتأكيد على فناء الدنيا، حتى يتمكنوا من إعادة تعريف آمالهم ورغباتهم في إطار حياة تخلق المعنى.

الكلمات المفتاحية

نهج البلاغة، الإمام علي عليه السلام، طول الأمل، الأمانى، أسلوب الحياة الأخلاقية، التربية الأخلاقية.



تحلیل روش‌های تربیتی مواجهه با «طول امل» در سبک زندگی اخلاق مدارانه براساس نهج البلاغه*

سیده راضیه اخلاقی^۱ علیّه رضاداد^۲

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.

razaseman6106@gmail.com

۲- استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

a.rezadad@cfu.ac.ir

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین روش‌های تربیتی مواجهه با «طول امل» (آرزوهای دور و دراز) در سبک زندگی اخلاق مدارانه از منظر نهج البلاغه انجام شده است. مسئله اصلی پژوهش، چگونگی مواجهه و مهار آرزوهای فناپذیر مادی و بعضاً غیراخلاقی در عصر حاضر است. این آرزوها با گسترش زندگی مادی و نفوذ سبک زندگی غربی، به مانعی برای تحقق حیات طیب تبدیل شده‌اند. پژوهش با روش

* **استناد به این مقاله:** اخلاقی، سیده راضیه؛ رضاداد، علیّه (۱۴۰۳). تحلیل روش‌های تربیتی مواجهه با «طول امل» در سبک زندگی اخلاق مدارانه براساس نهج البلاغه. مطالعات اخلاق کاربردی، ۴ (۷۸)، صص ۱۲۵-۱۵۲.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.70205.1963>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۱ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۱/۰۶ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۶ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۴/۲۹



توصیفی تحلیلی انجام شد و با استناد به خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه، شش روش تربیتی استخراج گردید: تبشیر (امیدواری به فضل الهی و بازتعریف آرزوها در قالب «خیر مأمول»)، اسوه‌سازی (الگوگیری از متقین و خاندان پیامبر ﷺ برای هدایت آرزوها به سمت ارزش‌های متعالی)، انذار (هشدار درباره عواقب ویرانگر آرزوهای دنیوی و فریبندگی آن‌ها)، عبرت‌آموزی (درس‌گیری از سرنوشت پیشینیان و ناپایداری دنیا)، مواجهه با نتایج اعمال (آگاهی‌بخشی درباره پیامدهای اخلاقی و اخروی رفتارها) و تحمیل به نفس (مدیریت آرزوها از طریق زهدورزی و خودکنترلی). یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، امام‌علی (علیه السلام) با محوریت‌دادن به تغییر نگرش به حیات و تأکید بر فناپذیری دنیا، در پی ایجاد بصیرتی عمیق در مخاطب هستند تا آرزوهایش را در چهارچوب حیات معنا ساز بازتعریف کند.

کلیدواژه‌ها

نهج البلاغه، امام‌علی (علیه السلام)، طول امل، آرزو، سبک زندگی اخلاقی، تربیت اخلاقی.



مقدمه

براساس نهج البلاغه، سبک زندگی اخلاق‌مداران و تربیت اخلاقی، یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه امام علی علیه السلام بوده است. در این سبک زندگی، تخلق به فضایل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی به منظور رسیدن به هدف نهایی اخلاق که همان قرب الهی است، مبنای اصلی می‌باشد. یکی از مسائلی که رسیدن به اخلاق فاضله و حیات طیبه را برای انسان دشوار می‌کند، آرزوها و آمالی است که بسیاری از آن‌ها دور و دراز و دست نیافتنی هستند و در مسیر سعادت، مانع وصول به کمال حقیقی می‌شود. این پژوهش با روش مطالعه تحلیلی و توصیفی، به بررسی روش‌شناختی مواجهه با امل در سبک زندگی اخلاق‌مداران براساس نهج البلاغه می‌پردازد. هدف پژوهش، تبیین روش تربیتی امام علی علیه السلام در مواجهه با آرزوهای دورودراز و مهار این گونه اهداف و خواسته‌هاست. فرد با تکیه بر اصول و روش‌های مبتنی بر نظام تربیتی و سبک زندگی اسلامی می‌تواند این صفت رذیله را از خود دور کند و به گونه‌ای با آرزوهای خود مواجه شود که در دام آن‌ها گرفتار نگردد. سؤال اصلی پژوهش این است که روش‌های مواجهه با طول امل براساس مفاهیم اخلاق کاربردی در نهج البلاغه برای دستیابی به سبک زندگی اخلاق‌مداران چگونه است؟

یکی از مسائلی که سبب شده واژه امل در زمره مفاهیم مرتبط با اخلاق کاربردی مطرح شود، این است که اخلاق کاربردی به شناسایی و تشخیص رفتار درست از نادرست در بسیاری از حوزه‌های عملی که پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های خاصی دارند و با معضلات اخلاقی همراه هستند، می‌پردازد (شریفی، ۱۳۹۷، ص ۲۸). امروزه با گسترش زندگی مادی و سبک زندگی غربی، آرزوهای دورودراز که عمدتاً منافع مادی را در بر دارند، جلوه‌گری دروغین یافته و چگونگی مواجهه با آن‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ زیرا آرزوهای هر کس نشان‌دهنده شرایط زندگی، توان فکری و علمی، و قدرت روحی اوست و این آرزوها و خواسته‌ها، جایگاه روحی و



معنوی فرد را در عالم هستی مشخص و چه بسا موقعیت اجتماعی و اخروی او را نیز نمایان می‌سازد. درباره طول امل در اسلام، به‌ویژه در نهج البلاغه، آثار متعددی نوشته شده که در آن‌ها مفهوم آرزو از بُعد اخلاقی بررسی شده است؛ از جمله:

- رضائی، شریفی و امیرآبادی (۱۴۰۰) در مقاله «طول امل و پیامدهای آن در نهج البلاغه» به این نتیجه رسیده‌اند که مهم‌ترین علل طول امل، نفوذ تسویلات شیطانی و دنیادوستی است که انسان را دچار نیستی، توهمات و امور خیالی کرده و ارتباط او را با حقایق هستی و معنویات زندگی قطع می‌کند. مهم‌ترین پیامد «طول امل»، سست شدن عقل و خرد است که به غفلت از درک حقایق به‌ویژه مرگ و قیامت منجر می‌شود؛

- جلالی نوبری (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی عوامل گرایش انسان به آرزوهای طولانی از دیدگاه اخلاق اسلامی»، عوامل تمایل به آرزوهای طولانی را در قرآن، نهج البلاغه و احادیث اخلاقی بررسی کرده است؛

- فاطری رضوانی و صفری (۱۳۹۹) در مقاله «معناشناسی عبارت طول امل در روایات»، ابتدا به بررسی لغوی امل پرداخته و سپس با کاوش در روایات معصومان علیهم‌السلام نشان داده‌اند که طول امل با آینده‌نگری و برنامه‌ریزی برای آینده تفاوت دارد و به معنای طولانی‌دیدن عمر و دوردیدن مرگ است. در این صورت، انسان کارهای دنیوی و اخروی‌اش را به تأخیر می‌اندازد و در آخر آن‌ها را ضایع می‌کند. طول امل و تسویف، تقویت‌کننده یکدیگرند و فراموشی آخرت، قساوت قلب و خاموش شدن عقل از پیامدهای طول امل است؛

- مشکاتی، نجفی و برزو اصفهانی (۱۳۹۴) در مقاله «آرزوهای طولانی و فرایند مهار آن در اندیشه علوی»، مهار و درمان طول امل را طی سه مرحله متوالی مطرح کرده‌اند: در مرحله اول، انسان باید به نگرش صحیح درباره خود، جهان پیرامون و خالق یکتا دست یابد؛ در مرحله دوم، به گزینش و ارزیابی آرزوها اقدام کند و آرزوهای گزینش شده را به اهداف قابل دسترس تبدیل سازد؛ در مرحله سوم، به



برنامه‌ریزی و تلاش برای رسیدن به اهداف خود مبادرت ورزد و از اتلاف وقت پرهیز کند؛

- رفیعی هنر (۱۳۹۳) در مقاله «خیال مهارنا یافته: تبیین مدل نظری عملکرد امل براساس منابع اسلامی»، با روش توصیفی تحلیلی و با هدف تبیین ماهیت سازه مذکور و نحوه عملکرد آن، ابتدا براساس منابع اسلامی، به مفهوم‌شناسی امل و تبیین روان‌شناختی آن پرداخته، سپس در قالب یک مدل نظری، درصدد کشف مؤلفه‌های به هم مرتبط سازه امل و تبیین سازوکار عملکردی آن برآمده است. یافته‌های این پژوهش حکایت از آن دارد که مدل عملکردی امل از دو فرایند درهم تنیده رویکردی عقل‌مدار و اجتنابی جهل‌مدار تشکیل شده است که بسته به نوع فعال بودن هریک از دو حلقه مذکور، فرد به یکی از سه فرایند «بسط امل»، «قصر امل» یا «طول امل» روی می‌آورد.

- طهرانی (۱۴۰۳) در کتاب اخلاق ربانی، آرزو: آرزوی به جا، آرزوی بی جا، آیات و روایات مرتبط با طول امل و قصر امل را بررسی کرده، اما به روش مواجهه با طول امل از منظر اخلاق کاربردی نپرداخته است. ضمن آنکه این کتاب به بررسی نهج البلاغه اختصاص ندارد.

وجه نوآوری پژوهش حاضر، روش‌شناختی نحوه مواجهه با طول امل در سبک زندگی اخلاق‌مداران از دیدگاه امام امیرالمؤمنین علی (ع) است. در این پژوهش، تحلیل تربیتی این موضوع با هدف در پیش گرفتن سبک زندگی اخلاق‌مداران دنبال می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. اخلاق

اخلاق، جمع خُلُق، به معنی سرشت و سجیه (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۹۴) و در اصطلاح، به معنی حالتی نفسانی است که بدون نیاز به تفکر و تأمل، آدمی را به سمت



انجام کار حرکت می‌دهد. اگر این حالت نفسانی انسان را به سمت کارهای زیبا و پسندیده سوق دهد، آن را اخلاق خوب یا اخلاق فضیلت نامند و اگر افعال زشت و ناپسند از آن صادر گردد، آن را اخلاق بد و رذیلت می‌نامند (شریفی، ۱۳۹۷، ص ۲۵).

۲.۱. سبک زندگی

سبک زندگی به معنی شیوه زندگی یا سبک زیستن است که منعکس‌کننده گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه، عادات، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و غیره می‌باشد که با هم طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می‌سازند (مهدوی کنی، ۱۳۸۶، ص ۵۱).

۳.۱. امل

أمل به دو معنا به کار رفته است؛ یکی به معنی انتظار و دیگری به معنی امیدداشتن (ابن فارس، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۴۰). طریحی در معنی لغوی امل چنین آورده است: «الْأَمَلُ بِالْتَحْرِيكِ: الرجاء وهو ضد اليأس» (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۳۱۰). در نهج البلاغه این واژه در معنی اصلی خود یعنی امید و آرزو به کار رفته و دو معنا دارد: آرزوهای پسندیده و آرزوهای ناپسند (آرزوهای دورودراز). در قرآن کریم نیز واژه امل، در این آیه کریمه آمده است: «ذُرْهُمْ يَا كُفُّوا وَ يَتَمَتَّعُوا وَ يُلْهِمُ الْأَمَلُ قَسُوفَ يَغْلَبُونَ»؛ «آن‌ها را به حال خود واگذار تا بخورند و از دنیا بهره گیرند و آرزوها آنان را غافل سازد، ولی به‌زودی خواهند فهمید» (حجر، ۳).

۲. روش‌شناختی مواجهه با طول امل در نهج البلاغه

روش‌شناختی مواجهه با طول امل در نهج البلاغه بر بنیان تربیت اخلاقی و معنوی استوار است. مکتب علوی، مقابله با آرزوهای دنیوی بلندمدت و دستیابی به سبک



زندگی اخلاق‌مدارانه را برای کمال انسانی و قرب به خداوند ضروری می‌داند. این مبارزه نه تنها رهایی از دام انتظارات بیهوده است، بلکه پرورش روح و ارتقای معنوی انسان را نیز به دنبال دارد. در این روش، تقوا اساس است (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴) و انسان را به سوی تعقل و خردورزی هدایت می‌کند. تعقل به انسان کمک می‌کند بین آرزوهای حقیقی و موهومات دنیوی تمایز قائل شود و اهداف معنوی و منافع زودگذر را از هم جدا کند. روش‌های مکتب علوی، هماهنگ با فطرت انسان و آموزه‌های دینی، راهبردهایی جامع برای ساختن زندگی‌ای اخلاقی و معنوی ارائه می‌دهند. این راهبردها با تقویت تقوا، تعقل و پرهیز از گناه، انسان را به سوی قرب به خداوند سوق داده و به آرامشی پایدار می‌رسانند. مهم‌ترین روش‌های مواجهه با طول امل در نهج البلاغه در جدول شماره ۱ آمده است:

جدول ۱: روش‌های تربیتی مواجهه با طول امل در نهج البلاغه

ردیف	روش تربیتی	عبارت نهج البلاغه	منبع
۱	انذار	وَإِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ وَطُولُ الْأَمَلِ	خطبه ۴۲
۲	انذار	وَأَمَلُهُ خَادِعٌ لَهُ	خطبه ۶۴
۳	انذار	وَأَنْقَطَعَ الْأَمَلُ	خطبه ۸۳
۴	انذار	وَتَحَلَّتْ بِالْأَمَالِ	خطبه ۱۱۱
۵	انذار	وَحَضَرَتْكُمْ كَوَازِبُ الْأَمَالِ	خطبه ۱۱۳
۶	انذار	عِبَادَ اللَّهِ إِنَّكُمْ وَمَا تَأْمَلُونَ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا أَثْوِيَاءُ مُوَجَّلُونَ	خطبه ۱۲۹
۷	انذار	أَمِنَ الْعَوَاقِبَ طُولَ أَمَلٍ وَاسْتَيْعَادَ أَجَلٍ	خطبه ۱۳۲



ردیف	روش تربیتی	عبارت نهج البلاغه	منبع
۸	انذار	وَتَصَافِيهِمْ عَلَى حُبِّ الْأَمَالِ	خطبه ۱۳۳
۹	انذار	أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الدُّنْيَا تَغُرُّ الْمُؤْمِلَ لَهَا	خطبه ۱۷۸
۱۰	انذار	فَإِنَّ النَّاسَ يُوشِكُ أَنْ يَنْقَطِعَ بِهِمُ الْأَمَلُ	خطبه ۱۸۳
۱۱	انذار	هَذَا الْمُغْتَرُّ بِالْأَمَلِ	نامه ۳
۱۲	انذار	لَنْ تَبْلُغَ أَمَلَكُ	نامه ۳۱
۱۳	انذار	الدَّهْرُ يُجَدِّدُ الْأَمَالَ	حکمت ۷۲
۱۴	انذار	لَوْ رَأَى الْعَبْدُ الْأَجَلَ وَمَصِيرَهُ لَأَبْغَضَ الْأَمَلَ وَعُزُورَهُ	حکمت ۳۳۴
۱۵	عبرت آموزی	عِبَادَ اللَّهِ الرَّحِيلَ عَنْ هَذِهِ الدَّارِ الْمَقْدُورِ عَلَى أَهْلِهَا الزَّوَالِ وَلَا يَغْلِبَنَّكُمْ فِيهَا الْأَمَلُ	خطبه ۵۲
۱۶	عبرت آموزی	أَرْهَقَتْهُمْ الْمَنَآيَا دُونَ الْأَمَالِ	خطبه ۸۳
۱۷	عبرت آموزی	أَلَسْتُمْ فِي مَسَاكِينٍ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ أَطْوَلَ أَعْمَاراً وَأَبْقَى آثَاراً وَأَبْعَدَ آمَالاً	خطبه ۱۱۱
۱۸	عبرت آموزی	وَمِنْ عِبَرِهَا أَنَّ الْمَرْءَ يُشْرِفُ عَلَى أَمَلِهِ فَيَقْطَعُهُ حُضُورُ أَجَلِهِ...	خطبه ۱۱۴
۱۹	عبرت آموزی	أَمَّا رَأَيْتُمْ الَّذِينَ يَأْمُلُونَ بَعِيداً	خطبه ۱۳۲
۲۰	عبرت آموزی	وَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِطُولِ آمَالِهِمْ	خطبه ۱۴۷
۲۱	عبرت آموزی	فَكَمْ مِنْ مُؤْمِلٍ مَا لَا يَتْلُوهُ	حکمت ۳۴۴



ردیف	روش تربیتی	عبارت نهج البلاغه	منبع
۲۲	مواجهه با نتایج اعمال	أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ	خطبه ۴۲
۲۳	مواجهه با نتایج اعمال	وَأَعْلَمُوا أَنَّ الْأَمَلَ يُسْهِيَ الْعَقْلَ وَيُنْسِي الذِّكْرَ	خطبه ۸۶
۲۴	مواجهه با نتایج اعمال	فَإِنَّكَ مُتْرَفٌ قَدْ أَخَذَ الشَّيْطَانُ مِنْكَ مَا أَخَذَهُ وَبَلَغَ فِيكَ أَمَلَهُ	نامه ۱۰
۲۵	مواجهه با نتایج اعمال	مَنْ جَرَى فِي عَنَانِ أَمَلِهِ عَثَرَ بِأَجَلِهِ	حکمت ۱۹
۲۶	مواجهه با نتایج اعمال	مَنْ أَطَالَ الْأَمَلَ أَشَاءَ الْعَمَلَ	حکمت ۳۶
۲۷	مواجهه با نتایج اعمال	لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَزُجُّو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ عَمَلٍ وَيُرْجِي الثَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ	حکمت ۱۵۰
۲۸	الگوسازی	فَأَفْسَحْ فِي آمَالِهِمْ	نامه ۵۳
۲۹	الگوسازی	أَلَا إِنَّ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ... وَأَرَأَيْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَأْمَلُونَ	خطبه ۱۰۰
۳۰	الگوسازی	نَرَاهُ قَرِيباً أَمَلُهُ	خطبه ۱۹۳
۳۱	تبشیر	اللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْوُضْفِ الْجَمِيلِ وَالتَّعَدَادِ الْكَثِيرِ، إِنْ تَوَمَّلْ فَخَيْرٌ مَأْمُولٍ	خطبه ۹۱
۳۲	تبشیر	وَنَسْتَعِينُ بِهِ اشْتِعَانَهُ رَاجٍ لِفَضْلِهِ، مُؤَمِّلٍ لِنَفْعِهِ	خطبه ۱۸۲
۳۳	تحمیل به نفس	أَيُّهَا النَّاسُ الرَّهَادَةُ قَصْرُ الْأَمَلِ	خطبه ۸۱



همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، طول امل در نهج البلاغه در ارتباط با مفاهیمی مانند گرایش به هوای نفس، شکست در دستیابی به آرزوها و فراموش کردن مرگ مطرح شده است. این هم‌نشینی‌ها، وجه منفی طول امل را در دنیای فانی نشان می‌دهد. برعکس، امل در ارتباط با خداوند (به‌عنوان امر فناپذیر)، معنای مثبت و ارزشمندی می‌یابد؛ همان‌طور که امام سجاد علیه السلام در دعاهای سحر ماه رمضان بیان می‌فرماید: «يَا رَبِّ إِنَّ لَنَا فِيكَ أَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا: پروردگارا، ما را در حضرت کبریای تو آرزوهایی بس دورودراز و بسیار است» (ابن طاووس، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۶۷). بنابراین، نوع و جهت‌گیری امل، تعیین‌کننده ارزش و معنای آن است. امل مرتبط با دنیا و متعلقات فانی آن، با خطر گمراهی و عدم تعادل اخلاقی همراه است، درحالی‌که امل در ارتباط با خداوند و آخرت، امری پسندیده و موجب رشد معنوی است؛ ازاین‌رو، نحوه مواجهه با مفهوم امل در نهج البلاغه متفاوت است که آن را در دو بخش روش‌های تربیتی مواجهه با آرزوهای پسندیده و روش‌های تربیتی مواجهه با آرزوهای ناپسند بررسی می‌کنیم:

۲.۱. روش مواجهه با آرزوهای پسندیده

۲.۱.۱. روش تبشیر

روش تبشیر، به‌عنوان یکی از شیوه‌های مؤثر در تربیت، بر ایجاد امیدواری و تشویق متربیان برای توجه به اهداف متعالی و آرزوهای فناپذیر تأکید دارد و بستری مناسب برای رشد اخلاقی و معنوی فراهم می‌آورد. در نهج البلاغه، نمونه‌های متعددی از این روش موجود است که نشان‌دهنده اهمیت امیدواری به فضل و رحمت الهی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی تربیت اخلاق‌مدارانه می‌باشد؛ برای مثال، عبارت: «اللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْوُضْفِ الْجَمِيلِ وَالْتَّعَدَادِ الْكَثِيرِ، إِنَّ تَوْمَلَ فَحَيَّرَ مَأْمُولٌ؛ بار خدایا، تویی سزاوار وصف نیکو و لایق شمارش نعمت‌های بی‌پایان، اگر به (لطف و کرم) تو آرزومندیم، تو بهتر و برتری از آنکه آرزو می‌کنیم» (نهج البلاغه، خطبه



(۹۱)، به این نکته اشاره دارد که خداوند شایسته هرگونه توصیف زیبا و ستایش فراوان است و اگر به او امید بسته شود، بهترین آرزوها محقق خواهد شد. این بیان، امیدواری به فضل الهی را در دل‌ها زنده و متریان را ترغیب می‌کند در پی آرزوی فناپذیر باشند و آن را در مسیر رضایت الهی جست‌وجو کنند. به عبارت دیگر، عبارت «خیر مأمول» در معرفی خداوند، آرزوهای انسان را از سطح خواسته‌های زودگذر به سوی مطلوب نهایی ارتقا می‌دهد. در روش تبشیر، این گزاره به مربی می‌آموزد که آرزوهایش را نه در محدوده امکانات مادی، بلکه در بی‌نهایت فضل الهی جست‌وجو کند.

عبارت «وَنَسْتَعِينُ بِهِ اشْتِعَانَهُ رَاجٍ لِفَضْلِهِ، مُؤَمِّلٍ لِنَفْعِهِ؛ و از او کمک می‌طلبیم چون خواستن کسی که به جود او امیدوار و به رساندن سودش آرزومند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲)، بر این موضوع تأکید دارد که استعانت از خداوند باید با امیدواری به فضل و نفع او همراه باشد. این رویکرد به متریان می‌آموزد که در مواجهه با مسائل و آرزوهای دور از دسترس، به جای ناامیدی، به فضل الهی تکیه کنند و با امیدواری به او، راه‌های جدیدی برای تحقق آرزوهای خود بیابند. این روش، نه تنها به تقویت ایمان و توکل کمک می‌کند، بلکه انسان را به سوی زندگی هدفمند و معنادار سوق می‌دهد و زمینه‌های رشد اخلاقی و معنوی او را فراهم می‌کند.

۲.۱.۲. روش اسوه‌سازی

الگو سازی، به عنوان یکی از روش‌های مؤثر در تربیت، به فرایندی اشاره دارد که انسان با پیروی از رفتار و عملکرد الگوهای برجسته، اعمال نیک را انجام می‌دهد یا از ناهنجاری‌ها دوری می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۸). در این روش، مربی با معرفی شخصیت‌های تاریخی یا الگوهای اخلاقی، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، زمینه‌های الگوگیری عملی و تأسی به آن‌ها را برای مربی فراهم می‌کند (باقری، ۱۳۸۴، ص ۱۰۲). در روایات، آل محمد علیهم‌السلام به عنوان الگوهای برجسته و



راهنمایان بشریت معرفی شده‌اند؛ برای مثال، در بیان نورانی آمده است: «أَلَا إِنَّ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ إِذَا خَوَى نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ فَكَأَنَّكُمْ قَدْ تَكَامَلْتُمْ مِنْ اللَّهِ فِيكُمْ الصَّنَائِعُ وَأَرَاكُمْ مَا كُنْتُمْ تَأْمَلُونَ؛ بدانید که مثل خاندان محمد ﷺ چون ستارگان آسمان است که هرگاه ستاره‌ای غروب کند، ستاره‌ای دیگر طلوع می‌کند. تو گویی نعمت‌های خداوند در میان شما کامل گشته و آنچه را آرزو می‌کردید، به شما داده شده است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۰). در این عبارت، حضرت علی (علیه السلام) به معرفی آل محمد ﷺ می‌پردازند و جایگاه رفیع و الگویی ایشان را به تصویر می‌کشند. خاندان پیامبر ﷺ، چراغ‌های هدایت و اسوه‌های کاملی معرفی می‌شوند که نعمت‌های الهی در وجودشان به کمال رسیده و آرزوهای متعالی بشر را محقق می‌کنند. این بیان، با تأکید بر عبارت «وَأَرَاكُمْ مَا كُنْتُمْ تَأْمَلُونَ»، به مترینان انگیزه می‌دهد تا به جای دنبال کردن آرزوهای زودگذر و مادی، به سوی آرمان‌های والا و الهی حرکت کنند. همچنین، این عبارت به مترینان یادآوری می‌کند با معرفی چنین الگوهایی، می‌توانند مترینان را به سوی رشد، تعالی و تحقق آرزوهای متعالی هدایت کنند.

در سخنی دیگر، امام علی (علیه السلام) در ترسیم چهره متقین به عنوان اسوه‌های عملی تربیت دینی، بر ویژگی‌هایی تأکید می‌کند که متقین را به الگوهای برجسته‌ای در مقابله با آرزوهای مادی زودگذر تبدیل می‌کند. ایشان در وصف متقین می‌فرمایند: «عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ حَمَتْ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ مَحَارِمَهُ وَالْزَمَتْ قُلُوبَهُمْ مَخَافَتَهُ حَتَّى أَشْهَرَتْ لِيَالِيَهُمْ وَأَظْمَأَتْ هَوَا جِرَهُمْ فَأَخَذُوا الرَّاحَةَ بِالنَّصَبِ وَالرَّيَّ بِالظُّلْمِ وَاسْتَقْرَبُوا الْأَجَلَ فَبَادَرُوا الْعَمَلَ وَكَذَّبُوا الْأَمَلَ؛ ای بندگان خدا، همانا تقوای الهی، دوستان خدا را از انجام محرمات باز می‌دارد و قلب‌هایشان را پُر از ترس خدا می‌سازد تا آنکه شب‌های آنان با بی‌خوابی و روزهایشان با تحمل تشنگی و روزه‌داری سپری می‌گردد که آسایش آخرت را با رنج دنیا و سیراب شدن آنجا را با تحمل تشنگی دنیا به دست آوردند. اجل و مرگ را نزدیک دیده و در اعمال نیکو شتاب کرده‌اند، آرزوهای



دنیاپی را دروغ خواندند و به مرگ به‌درستی نگریستند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴). این وصف امام علیه السلام، نه تنها اعمال فردی، بلکه سبک زندگی الگومحور را نشان می‌دهد. در این سبک زندگی، متقیان با تکذیب آرزوهای مادی، به جای دل‌بستگی به امیال زودگذر، بر اهداف متعالی متمرکز می‌شوند و آرزوهای دنیوی آنان کوتاه است: «تَرَاهُ قَرِيباً أَمَلَهُ؛ آمال و آرزوهایشان را نزدیک و غیر طولانی می‌بینی» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳).

همچنین در خطبه همام، امام علیه السلام با عبارت «الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولٌ وَالشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ؛ از او خیر انتظار می‌رود و از شرش در امان‌اند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)، جایگاه متقین را به عنوان اسوه‌های اجتماعی اثرگذار تثبیت می‌کند. این بیان دو بُعد دارد: نخست، انتظار خیر (جامعه با اتکا به الگوهای اخلاقی به تحقق نیکی‌ها امیدوار می‌شود) و دوم، ایمنی از شر (وجود چنین الگوهایی، امنیت اخلاقی را در جامعه تقویت می‌کند). در واقع، متقین هم به عنوان الگوهای فردی و هم به عنوان الگوهای اجتماعی در جامعه معرفی می‌گردند.

در بُعد رهبری نیز امام علی علیه السلام در فرمان به مالک اشتر با عبارت «فَأَفْسَحْ فِي أَمَالِهِمْ؛ در برآوردن خواسته‌ها و آرزوهایشان گشاده‌دست باش» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)، به طور غیرمستقیم، الگوی رفتاری و سبک رهبری اخلاق‌مدارانه را ترسیم می‌کند. عبارت «فَأَفْسَحْ فِي أَمَالِهِمْ» بر این موضوع تأکید دارد که رهبر باید به گونه‌ای رفتار کند که آرزوهای مشروع و نیازهای ضروری پیروانش برآورده شود.

آنچه از کلام امام علی علیه السلام در این روش تربیتی به دست می‌آید، این است که اسوه‌سازی در آموزه‌های ایشان با محوریت آل محمد صلی الله علیه و آله صورت گرفته و دارای دو لایه «فردی» و «اجتماعی» است: در لایه فردی، متقین با نادیده گرفتن آرزوهای مادی، الگوی بی‌اعتنایی به دنیا هستند و خیر و آرزوی خود را در محبت آل محمد صلی الله علیه و آله و تمسک به آنان جست‌وجو می‌کنند؛ اما همین متقین زمانی که در



اجتماع دارای مسئولیتی هستند، با برآوردن نیازهای مشروع، الگوی گشاده‌دستی مسئولانه‌اند و برآوردن آن نیازها و آمال را وظیفه خود می‌دانند.

۲.۲. روش مواجهه با آرزوهای ناپسند

۲.۲.۱. روش انذار

در منظومه فکری امام علی علیه السلام، آرزوهای طولانی و دنیاطلبی از موانع اصلی سیر تکاملی انسان به سوی زندگی اخلاق‌مدارانه و آخرت‌محور شناخته می‌شود. ایشان با بهره‌گیری از روش «انذار» (هشداردهی)، مخاطب را از عواقب ویرانگر این آرزوها آگاه می‌سازند. انذار در اصطلاح، شیوه‌ای تربیتی است که با تکیه بر ترسیم پیامدهای منفی یک رفتار یا اندیشه، فرد را به بازنگری در رویکردهای خود وادار می‌کند. در واقع، «انذار به معنی آگاهاندن کسی نسبت به امری است که در آینده رخ می‌دهد و مایه زجر و عذاب او خواهد بود» (باقری، ۱۳۸۴، ص ۱۲۹).

امام علی علیه السلام در خطبه ۴۲ با بیان جمله «وَإِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ: اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ وَطُولُ الْأَمَلِ»، دو عامل اصلی انحراف اخلاقی را معرفی می‌کنند: پیروی از هوس و درازی آرزو. این عبارت، پایه روش انذار در کلام ایشان است؛ زیرا آرزوهای طولانی، انسان را به دام هوس‌ها می‌اندازد و فریب‌کاری این آرزوهای دروغین تا جایی است که گویی حضرت، مخاطب را در لحظه حاضر می‌بیند و او را از خطر این گونه آرزوها بیم می‌دهند: «وَحَضَرْتُكُمْ كَوَازِبُ الْأَمَالِ؛ و آرزوهای دروغین، شما را احاطه کرده است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳). ایشان در عبارت دیگری نیز متذکر می‌شوند که این آرزوها ماهیتی فریبنده دارند: «وَأَمَلُهُ خَادِعٌ لَهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۶۴) و ظرف تحقق آن‌ها، خود مظهر اصلی فریب است: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الدُّنْيَا تَعُرُّ الْمُؤْمِلَ لَهَا؛ ای مردم، دنیا آرزوکنندگان خود را فریب می‌دهد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۷). گویا آرزوهای دورودراز همچون سرابی هستند که انسان را به امید دستیابی به موهومات به دنبال خود می‌کشاند، اما در نهایت، چیزی جز



خستگی و حسرت با خود نمی‌آورند و نابود می‌شوند: «وَ انْقَطَعَ الْأَمَلُ» (نهج البلاغه، خطبه ۸۳) و هرگز فرد را به آرزویش نمی‌رسانند: «لَنْ تَبْلُغَ أَمَلُكَ؛ هرگز به آرزویت نخواهی رسید» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

یکی از عمیق‌ترین هشدارهای امام علیه السلام، در خطبه ۱۳۲ است که با پرسش اندازی، مخاطب را به خودآگاهی و بازبینی فوری رفتارهایش فرا می‌خواند: «أَمِنْ الْعَوَاقِبِ طُولَ أَمَلٍ وَاسْتِبْعَادَ أَجَلٍ؛ آیا از عواقب آرزوهای طولانی و دورپنداری مرگ، در امانید؟» و در جای دیگر می‌فرماید: «إِنَّكُمْ وَمَا تَأْمَلُونَ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا أَثَوِيَاءُ مُؤَجَّلُونَ؛ ای بندگان خدا، شما و آنچه از دنیا آرزو می‌کنید، همانند مهمانانی هستید که اجلشان نزدیک است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹). این جمله، با ترکیب دو مفهوم «أَثَوِيَاءُ» (میهمانان) و «مُؤَجَّلُونَ» (دارای اجل)، استعاره‌ای از ناپایداری دنیا است و معنای انذار دارد؛ زیرا مخاطب را با تصویری ملموس از مرگ و زوال، به اصلاح رفتار ترغیب می‌کند؛ بنابراین، حضرت به بندگان هشدار می‌دهند که «فَإِنَّ النَّاسَ يُوشِكُ أَنْ يَنْقَطِعَ بِهِمُ الْأَمَلُ؛ به‌زودی آرزوها از مردم قطع می‌شود» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۳) و «لَوْ رَأَى الْعَبْدُ الْأَجَلَ وَمَصِيرَهُ لَأَبْغَضَ الْأَمَلَ وَغُرُورَهُ؛ اگر بنده، زمان مرگ و سرنوشت خود را می‌دید، از آرزو و فریب آن بیزار می‌شد» (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۴). امام علیه السلام با این هشدار، مخاطب را به تمرین مرگ‌اندیشی دعوت می‌کنند و راه را برای روش تربیتی دیگری با عنوان عبرت‌آموزی هموار می‌کنند.

۲.۲.۲. روش عبرت‌آموزی

عبرت در لغت به معنی «الاعتبار بما مضی؛ پندگرفتن از گذشته» (خلیل‌بن‌احمد، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۲۹) و در اصطلاح، «به حالتی اطلاق می‌شود که در جریان آن معرفتی ظاهری و مشهود، وسیله‌ای برای درک معرفتی باطنی و غیرمشهود قرار می‌گیرد» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۲۰). این مفهوم در آیات قرآن کریم



نیز به معنی درس گرفتن و پندآموزی از جریانات منفی و سرنوشت دیگران به شمار می آید (قائمى مقدم، ۱۳۸۴، ص ۱۴).

مطالعه و تدبّر در سرگذشت پیشینیان و آرزوهای آنان، یکی از روش‌های رویارویی با آرزوهاست. تفاوت این روش با روش انداز در این است که عبرت‌آموزی مبتنی بر درس‌گیری از سرگذشت پیشینیان است و از این رو، به صورت غیرمستقیم و مبتنی بر تحلیل و پندگیری ارائه می‌شود؛ اما روش انداز، مستقیم و پیشگیرانه عمل می‌کند. در نگاه امام علی علیه السلام، دنیا و دگرگونی‌های آن از یک سو، همراه با آرزوهای دورودراز آدمیان و از سوی دیگر، محل عبرت‌گیری است؛ زیرا این جهان، مظهر ناپایداری و فناست. در حدیثی از حضرت آمده است: «إِنَّ الْمَرْءَ يُشْرِفُ عَلَى أَمَلِهِ فَيَقْطَعُهُ حُضُورُ أَجَلِهِ؛ انسان در آستان رسیدن به آرزوی خویش است که [ناگهان] فرا رسیدن اجل، مانع رسیدنش می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۳۴)؛ بنابراین، حضرت علی علیه السلام انسان را تشویق می‌کنند که از دگرگونی‌های دنیا عبرت بگیرد: «فِي تَصَارِيفِ الدُّنْيَا عِبَارَةٌ». در قرآن کریم نیز این روش چنین آمده است: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ»؛ «بگو در زمین سیر کنید تا بنگرید عاقبت کار بدکاران به کجا کشید» (نمل، ۶۹) یا: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ»؛ «همانا در حکایت آنان برای صاحبان عقل عبرت کامل خواهد بود» (یوسف، ۱۱۱). این آیات نشان می‌دهد مطالعه سرگذشت پیشینیان، نه تنها یک روش تربیتی، بلکه یک ضرورت برای رشد فکری و اخلاقی انسان‌هاست. امام علی علیه السلام در خطبه‌های خود، با طرح سؤالاتی درباره آرزوهای طولانی و نتایج آن، مخاطبان را به تأمل و تدبّر دعوت می‌کنند: «أَمَّا رَأَيْتُمُ الَّذِينَ يَأْمُلُونَ بَعِيداً وَيَبْتَئُونَ مَشِيداً وَيَجْمَعُونَ كَثِيراً كَيْفَ أَصْبَحَتْ يُبُوتُهُمْ قُبُوراً وَمَا جَمَعُوا بُوراً؛ آیا ندیده‌اید کسانی را که گرفتار آرزوهای بلند بودند، خانه‌های محکم می‌ساختند و مال فراوان می‌اندوختند، چگونه خانه‌هایشان گور و اندوخته‌هایشان نابود شد؟» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۲). در عبارت «أما رأيتم» استفهام



بر سبیل تقریر است؛ یعنی این‌ها را دیده‌اید، و دلیل اینکه آن افراد اکنون نمی‌توانند بر حسنه‌ای بیفزایند و از بدی‌های خود پوزش بخواهند، این است که دنیا جای عمل و کار است و پس از آن، دیگر امکانی برای عمل نیست (ابن میثم بحرانی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۲۷۸). حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «أَلَسْتُمْ فِي مَسَاكِينٍ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ أَطُولَ أَعْمَاراً وَأَبْقَى آثَاراً وَأَبْعَدَ آمَلاً؟ آیا شما در جای گذشتگان خود به سر نمی‌برید که عمرشان از شما طولانی‌تر و آثارشان با دوام‌تر و آرزویشان درازتر بود؟» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۱) یا می‌فرماید: «وَأَتَعُظُوا بِمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ قَبْلَ أَنْ يَتَّعِظَ بِكُمْ مَنْ بَعْدَكُمْ وَارْقُضُوهَا ذَمِيمَةً فَإِنَّهَا قَدْ رَفَضَتْ مَنْ كَانَ أَشْغَفَ بِهَا مِنْكُمْ؛ از پیشینیان خود پند گیرید، پیش از آنکه آیندگان از شما پند گیرند. این دنیای فاسد نکوهش شده را رها کنید؛ زیرا مشتاقان شیفته‌تر از شما را رها کرد» (نهج البلاغه، خطبه ۳۲). این بیان نشان می‌دهد دنیا محل فناست و مشتاقان آن، سرانجامی جز ناپودی ندارند؛ بنابراین، انسان‌ها باید از سرنوشت پیشینیان درس بگیرند و به جای دل‌بستگی به دنیا، به زندگی اخروی و اعمال صالح بیندیشند.

هرکس به دیده عبرت به تاریخ نظر کند، خواهد دانست که دنیا برای پیشینیان نماند، برای آیندگان نیز نمی‌ماند و در مواجهه با آرزوها باید بهترین گزینش را داشته باشد؛ زیرا: «إِنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَخْلُقْ لَكُمْ دَارَ مَقَامٍ وَلَا مَحَلَّ قَرَارٍ وَإِنَّمَا جُعِلَتْ لَكُمْ مَجَازاً لِتَرْوَدُوا مِنْهَا الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ لِدَارِ الْقَرَارِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۲)؛ یعنی دنیا برای اقامت آفریده نشده، بلکه برای هدف اصلی که زندگی اخروی است، بنا گردیده است. امام علی علیه السلام در عبارتی دیگر می‌فرماید: «عِبَادَ اللَّهِ الرَّحِيلَ عَنْ هَذِهِ الْأَدَارِ الْمَقْدُورِ عَلَى أَهْلِهَا الزَّوَالُ وَلَا يَغْلِبَنَّكُمْ فِيهَا الْأَمَلُ؛ ای بندگان خدا، کوچ کردن از این دنیا که زوال آن برای اهلش قطعی است، امری حتمی است. پس مبادا آرزوهای طولانی، شما را از حقیقت غافل کند». این عبارت به روشنی بیان می‌کند که دنیا محل ماندگاری نیست و آرزوهای طولانی، انسان را از حقیقت مرگ و زوال دنیا غافل می‌کند؛ از این رو، عبرت‌گیری از این واقعیت، انسان را به‌سوی زندگی



معنوی و اخروی سوق می‌دهد و او را از دل‌بستگی به دنیا و آرزوهای فانی باز می‌دارد.

در سخنان دیگری، امام علی علیه السلام با بیانی ژرف و عبرت‌آموز، به سرنوشت کسانی اشاره می‌کند که در دام آرزوهای طولانی و دور از دسترس گرفتار شده‌اند: «فَكَمْ مِنْ مُؤْمِلٍ مَا لَا يَبْلُغُهُ؛ چه بسیارند کسانی که به آرزوی چیزی رسیدند که هرگز به آن نرسیدند» (نهج البلاغه، حکمت ۳۴۴) و در جای دیگری می‌فرماید: «وَإِنَّمَا هَلَاكُ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِطُولِ آمَالِهِمْ؛ همانا پیشینیان شما به سبب آرزوهای طولانی‌شان هلاک شدند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷). این عبارت نشان می‌دهد که آرزوهای طولانی و دنیاطلبی، عامل اصلی نابودی پیشینیان بوده است. ایشان تأکید می‌کنند: «أَرْهَقَتْهُمْ الْمَنَآيَا دُونَ الْأَمَالِ؛ مرگ، آن‌ها را درحالی که هنوز به آرزوهایشان نرسیده‌اند، فراگرفت» (نهج البلاغه، خطبه ۸۳). این سخن بیانگر آن است که مرگ، بی‌هیچ مهلتی، انسان را در هر شرایطی فرامی‌گیرد و آرزوهای طولانی، مانع رسیدن به اهداف حقیقی زندگی می‌شوند؛ بنابراین، عبرت‌گیری از این واقعیت، انسان را به سوی زندگی معنوی و اخروی و دوری از آرزوهای دورودراز سوق می‌دهد.

۳.۲.۲. روش مواجهه با نتایج اعمال

یکی از سنت‌های آفرینش، بازتاب اعمال و مواجهه با نتایج اعمال است. این اصل برگرفته از اصل تربیتی مسئولیت‌پذیری است. در این روش، امر و نهی جای ندارد و کارآمدی آن نیز مستقیماً ناشی از قدرت امر یا نهی نیست. پشتوانه این روش، حُب ذات آدمی است. مربی در این روش فقط به نشان‌دادن پیامدهای عمل اکتفا می‌کند و او را به انجام عمل خوب و صالح وامی‌دارد تا از خطا مصون ماند. هنگامی که فرد از عواقب عملی که به زیان ذات و نفس اوست، آگاه می‌شود یا از سود عملی مطلع می‌گردد، زمینه برای انگیزه محرک به ترک یا انجام فعل در او شکل می‌گیرد (باقری، ۱۳۸۴، ص ۱۰۶). حضرت علی علیه السلام درباره آرزوهای قبیح و آرزوهای حسن



از این روش استفاده فرمودند: «وَاعْلَمُوا أَنَّ الْأَمَلَ يُسْهِي الْعَقْلَ وَيُنْسِي الذِّكْرَ؛ بدانید آرزو عقل را به خطا می‌اندازد و یاد خدا را به فراموشی می‌سپارد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۶). در واقع، زمانی که آرزو طولانی می‌شود، فرد طبق امر عقل عمل نمی‌کند و دیگر برای انجام عمل صالح و حذر از عمل زشت تلاش نخواهد کرد (حسینی شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۱).

گفتار حضرت امیرمؤمنان علیه السلام در این خطبه می‌تواند علاقه انسان را از آرزوهای دراز قطع کند و جرعه بیداری و تنفر از اعمال زشت را در دل‌ها برافروزد؛ همچنین این کلام دعوت‌کننده مردم به سوی زهد و عمل کردن برای آخرت می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۰۲).

امام علی علیه السلام با روش مواجهه با نتایج اعمال، نشان می‌دهند چگونه آرزوهای دورودراز سبب ناکامی در رسیدن به اهداف می‌شود: «لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَزُجُّ الْآخِرَةَ بِغَيْرِ عَمَلٍ وَيَرْجِي الثَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ؛ از کسانی مباش که بدون عمل صالح به آخرت امیدوار است و توبه را با آرزوهای دراز به تأخیر می‌اندازد» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۵۰). در واقع، حضرت با تکیه بر عقلانیت، انسان را به اصلاح تناقض‌های درونی در رفتار آگاه و به او گوشزد می‌کنند که میان آنچه در سر می‌پروراند و آنچه به دست می‌آورد، ارتباط مستقیم وجود دارد.

در سخن دیگری حضرت می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ [اِثْنَانِ] اِتِّبَاعُ الْهَوَى وَطُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا اِتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ؛ ای مردم، دو چیز است که بیش از هر موضوع دیگر از گرفتاری شما به آن‌ها نگران و بیمناکم: یکی، تبعیت از هوی و هوس و دیگری، آرزوی دورودراز؛ زیرا پیروی از هوس‌ها مانع اجرا و عمل به حق می‌شود و آرزوهای دراز، آخرت را به فراموشی می‌سپارد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۴۲).

توجه به آخرت که در این کلام حضرت آمده است، یکی از اصول اساسی در سبک زندگی اخلاق‌مدارانه است؛ زیرا در غیر این صورت، فرد دنیا را هدف نهایی



خود فرض می کند و به وادی آرزوهای دورودراز می افتد: «مَنْ لَهَجَ قَلْبُهُ بِحُبِّ الدُّنْيَا اِلْتَاطَ مِنْهَا بِثَلَاثِ هَمٍّ لَا يُغْنِيهِ وَحَرْصٍ لَا يَثْرُكُهُ وَآمَلٍ لَا يُدْرِكُهُ؛ هر که دلش به دوستی دنیا شیفته و شیدا گردد، با سه چیز از دنیا پیوند گیرد: اندوهی دورنشدنی، حرصی وانگذازدنی و آرزویی نرسیدنی» (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۸). و چه بسا چنین شخصی، جملاتی این چنین بر زبان راند: «يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ»؛ «ای کاش مانند آنچه به قارون داده شده برای ما هم بود. همانا او بهره بزرگی از ثروت را داراست» (قصص، ۷۹)، درحالی که بهره گیری از دنیا باید به قصد سعادت‌مندی در آخرت باشد و این باور می تواند به رفتار و اخلاق آدمی جهت دهد و او را به سعادت برساند.

این عبارات نیز به روشنی رابطه علی میان آرزوهای دورودراز و مهارنشده را با پیامدهای ناگوار آشکار می سازند: «مَنْ جَرَى فِي عِنَانٍ أَمَلِهِ عَثَرَ بِأَجَلِهِ؛ هر که عنان مرکب آرزو را رها کند و در پی آن بشتابد، مرگش بلغزند و بر زمین زند» (نهج البلاغه، حکمت ۱۹) و «مَنْ أَطَالَ الْأَمَلَ أَسَاءَ الْعَمَلِ؛ کسی که آرزوهایش طولانی است، کردارش نیز ناپسند است» (نهج البلاغه، حکمت ۳۶). گویا امام علیه السلام مخاطب را به درک این واقعیت سوق می دهند که آرزوهای نامحدود، نه تنها دست نیافتنی اند، بلکه انسان را در دام شکست خودساخته اسیر می سازند.

امام علی علیه السلام این واقعیت را در رفتار معاویه و تسلط شیطان بر او نشان می دهند و با بهره گیری از این روش تربیتی می فرمایند: «فَإِنَّكَ مُتَرَفٌّ قَدْ أَخَذَ الشَّيْطَانُ مِنْكَ مَا أَخَذَهُ وَبَلَغَ فِيكَ أَمَلَهُ؛ زیرا فزونی نعمت، تو را به طغیان واداشته، (به همین دلیل) شیطان بر تو مسلط شده و به آرزوی خود درباره تو رسیده است» (نهج البلاغه، نامه ۱۰). در واقع، حضرت رفتار اشرافی معاویه را وسیله ای برای تحقق آرزوی شیطان و تسلط بر وی می شمارند.

۲.۲.۴. روش تحمیل به نفس

روش تحمیل به نفس در آموزه‌های امام علی علیه السلام، به عنوان سازوکاری برای مدیریت آرزوها و هدایت آن‌ها در مسیر اخلاقی ترسیم می‌شود. این روش بر خویش‌داری فعال مبتنی است که فرد با آگاهی، نفس خود را به انجام اعمال نیک یا ترک امیال ناپسند وادار می‌کند؛ حتی اگر این امور با تمایلات درونی او در تعارض باشند. امام علیه السلام در حکمت ۲۴۹ می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ؛ بهترین اعمال آن است که نفس خود را به آن واداری». این گزاره نشان می‌دهد تحمیل به نفس، نه اجبار بیرونی، بلکه انتخابی آگاهانه برای غلبه بر موانع درونی است. در این روش، فرد با وجود تمایل به لذت‌های زودگذر یا آرزوهای دورودراز، با تکیه بر اراده، مسیر اخلاقی را برمی‌گزیند.

به طور کلی، ارتباط این روش با مسئله طول امل در کلام امام علیه السلام به روشنی دیده می‌شود. ایشان می‌فرمایند: «أَيُّهَا النَّاسُ الرَّهَادَةُ قِصَرُ الْأَمَلِ؛ ای مردم، زهد، کوتاه کردن آرزوهاست» (نهج البلاغه، خطبه ۸۱). این جمله نشان می‌دهد تحمیل به نفس در قالب «زهدورزی»، ابزاری برای مقابله با طول امل است. زهد به معنی دل‌کندن از وابستگی‌های مادی، مستلزم آن است که فرد با تحمیل اراده بر نفس، آرزوهای بی‌پایان را به خواسته‌های معقول و اخلاق‌مدار محدود کند؛ به عبارت دیگر، تحمیل به نفس، راهبردی عملی برای تبدیل آرزوهای دورودراز به اهداف متعالی است.





نتیجه گیری

آرزو به عنوان مفهومی که در منابع دینی از جمله قرآن، حدیث و سخنان حضرت علی علیه السلام آمده است، آثار تربیتی مثبت و منفی در پی دارد و لازم است فرد متقی در سبک زندگی اخلاق مدارانه به این آثار توجه کند و روش های مواجهه با آن ها را بیاموزد. آنچه در تمامی روش های یاد شده به چشم می خورد این است که حضرت در سخنان خود، رویکرد تغییر بینش و درک درست زندگی را مد نظر قرار داده اند. مبارزه با «طول امل» در مفهوم دنیوی و فناپذیر آن، یکی از مفاهیم کلیدی نهج البلاغه برای تغییر نگرش مخاطب به دنیا و آخرت است. حضرت علی علیه السلام با بیان سرعت گذر زمان و فناپذیری دنیا، سعی در ایجاد بصیرت و تغییر دیدگاه دارند و با بیان محدودیت زمان زندگی دنیوی و تأکید بر اهمیت عمل صالح در این دوران کوتاه، انسان را به تغییر رفتار و کوتاه کردن آرزوهای مادی ترغیب می کنند. از آنچه درباره تحلیل روش های تربیتی در مواجهه با طول امل از نگاه حضرت علی علیه السلام گذشت، نتایج زیر به دست آمد:

۱. روش تبشیر، با محوریت امیدواری به فضل الهی، آرزوهای فناپذیر و پایدار انسان را به فرصتی برای تعالی اخلاقی تبدیل می کند. این روش از یک سو، با ارائه الگوی «خیر مأمول»، آرزوها را در مسیر الهی بازتعریف می کند و از سوی دیگر، با تأکید بر «استعانت امیدواران»، توکل را به ابزاری برای عبور از معضلات تبدیل می کند. به این ترتیب، تبشیر نه تنها یک روش تربیتی، بلکه سبک زندگی ایمان محور است که در آن، امید به خداوند، نیروی محرک برای همه کنش های اخلاقی است؛

۲. روش تربیتی اسوه سازی نشان دهنده آن است که الگوهای تربیتی باید از چنان جایگاه رفیع و جامعیتی برخوردار باشند که بتوانند متریان را از دل بستگی به آرزوهای مادی و زودگذر رها کنند و به سوی آرمان های متعالی و الهی سوق دهند. این روش نه تنها به تقویت ایمان و اخلاق در متریان می انجامد، بلکه آن ها را به سوی



زندگی هدفمند و معنادار هدایت می‌کند. از این رو، الگوسازی، به عنوان یک روش تربیتی مؤثر، با معرفی شخصیت‌هایی مانند خاندان حضرت محمد ﷺ و متقین، می‌تواند نقشی کلیدی در شکل‌گیری رفتار و نگرش متربیان ایفا کند؛

۳. آنچه از مجموع عبارات مربوط به انداز در نهج البلاغه برمی‌آید این است که این روش بر سه پایه استوار است: نخست، واقع‌گرایی توحیدی با نشان‌دادن ناپایداری ذاتی دنیا؛ دوم، افشای لوازم شیطان برای فریب نفس؛ و سوم، فرجام‌شناسی اخروی با ترسیم رابطه مستقیم آرزوها و عذاب اخروی. این روش، چهارچوبی جامع برای ساخت سبک زندگی اخلاق‌مدارانه ارائه می‌دهد که در آن، آرزوهای انسان، به کلی نفی نمی‌شوند، بلکه در مسیر هدف آفرینش هدایت می‌گردند؛

۴. روش عبرت‌آموزی از سرنوشت پیشینیان و دگرگونی‌های دنیا در نهج البلاغه، با تکیه بر تأمل در سرنوشت دیگران و درس گرفتن از آن‌ها، دنیا را محل گذر و آزمایش معرفی می‌کند؛ بر این اساس، آرزوهای طولانی و دیپلماتی، سرانجامی جز نابودی ندارد؛

۵. روش مواجهه با نتایج اعمال، تلاشی برای بیدارسازی وجدان اخلاقی از طریق مواجهه با عواقب خودساخته اعمال است؛ رویکردی که بدون امر و نهی، تنها با تکیه بر عقلانیت فطری، فرد را به اصلاح سبک زندگی فرامی‌خواند؛

۶. روش تحمیل به نفس در نهج البلاغه، به عنوان روش تربیتی تهذیبی، با تبدیل میل‌های نامتناهی درون انسان به الگوهای کنش اخلاقی، نقشی محوری در تکوین ساحت معنوی انسان ایفا می‌کند. در این روش، مهار نفس، شرط ضروری تحقق حیات اخلاق‌مدارانه است که در آن تحمیل به نفس، امیال درونی انسان را سامان‌دهی و به سوی امری معنادار در راستای ارزش‌های متعالی هدایت می‌کند.



کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۶۷)، *إقبال الأعمال*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

ابن فارس، احمد (۱۴۲۹ق)، *معجم مقاییس اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.

ابن میثم بحرانی، میثم بن علی (۱۳۶۶)، *شرح نهج البلاغه*، ترجمه محمدصادق عارف، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

باقری، خسرو (۱۳۸۴)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: مدرسه.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دار الکتب الاسلامی.

حسینی شیرازی، سید محمد (۱۳۶۸). *توضیح نهج البلاغه*. قم: مؤسسه الفکر الاسلامی.

خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *العین*، قم: مؤسسه دار الهجرة.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، قم: دفتر نشر الکتاب.

شریفی، احمد حسین (۱۳۹۷)، *آیین زندگی (اخلاق کاربردی)*، قم: دفتر نشر معارف.

طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲)، *مجمع البحرین و مطلع النیرین*، تهران: مرتضوی.

قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۸۴)، «روش عبرت‌دهی در قرآن»، *تربیت اسلامی*، دوره ۱، ش ۱، ص ۹-۳۸.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، *پیام امام، شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۶)، *دین و سبک زندگی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

References

The Holy Quran.

Nahj al-Balagha.

Baqeri, K. (۲۰۰۵). *A New Look at Islamic Education*. Tehran: Madreseh.

Hosseini Shirazi, S. M. (۱۹۸۹). *Explanation of Nahj al-Balagha*. Qom: Islamic Thought Institute.

Ibn Faris, A. (۲۰۰۸). *Mujam Maqais al-Lughah*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.

Ibn Meysam Baharani, M. A. (۱۹۸۷). *Sharh Nahj al-Balagha*. Translated by M. S. Aref. Mashhad: Foundation for Islamic Research at Astan Quds Razavi.

Ibn Manzur, Mohamad ibn Mokaram (۱۹۹۳). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar Sadir.

Ibn Tawus, A. M. (۱۹۸۸). *Iqbal al-A'mal*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya.

Khalil ibn Ahmad (۲۰۰۸). *al-Ayn*. Qom: Dar al-Hijra Foundation.

Mahdavi Kani, M. S. (۲۰۰۷). *Religion and Lifestyle*. Tehran: Imam Sadiq University.

Makarem Shirazi, N. (۱۹۹۲). *Imam's message: A new and comprehensive interpretation of Nahj al-Balagha*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya.

Qaemi Moghadam, M. R. (۲۰۰۵). "The method of admonition in the Quran". *Islamic Education*, ۱(۱): ۹-۳۸.

Raghib Isfahani, H. M. (۲۰۰۶). *al-Mufradat fi Gharib al-Quran*. Qom: Office for Publishing Books.

Sharifi, A. H. (۲۰۱۸). *The Way of Life (Applied Ethics)*. Qom: Office for Publishing Ma'arif.

Tamimi Amedi, A. M. (۲۰۰۹). *Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim*. Qom: Dar al-Kitab al-Islami.

Toraihi, F. (۱۹۸۳). *Majma al-Bahrain wa Matla al-Nayerain*. Tehran: Mortazavi.